

در باورم نبود
ستاره سنگ شود،
برتو ببارد

هرگز ندیده بودم
زمین گرم شود
از تن تو

درگیسوانت نبود
جنبش هزار سال نسیم

در رؤیایم ندیدم
از من جدا شوی
و چنین سهمگین بیاید
مرگ

در خیالم میریزی
چون برفی
که بادلم آب می شود

مزدشاهانی (علیرضابنای شاهانی)